

خاطرات بستگان، خویشاوندان و جمعی از شاگردان و دوستداران حضرت امام خمینی(ره) در کتاب «پا به پای آفتاب» آمده است. از جمله خاطره‌ای شنیدنی و درس‌آموز دربارهٔ برخورد حضرت امام خمینی(ره) با چند مدعی ارتباط با امام زمان(ع) که مرور و تأمل آن در این آشفته بازار مکاره از بسیاری جهات آموزنده است. با هم این خاطره را مرور می‌کنیم:

چند نفر، ادعای عرفان داشتند و اذعان می‌کردند که با امام زمان(ع) ارتباط دارند. برخی از مسئولان مملکتی، پس از شنیدن این ادعاها، معتقد بودند باید این قضیه روشن شود تا چنانچه ادعای این افراد، کذب و دروغ بود، موضوع افشا شود تا کسی به انحراف و اشتباه نیفتد. سرانجام با وساطت دو تن از مسئولان نظام، این چند نفر اجازه ملاقات با حضرت امام(ره) پیدا کردند. حضرت امام(ره) در همان لحظات اول، به ریاکاری آنان پی بردند و با اشرافی که داشتند جهت روشن شدن موضوع، سه سؤال را مطرح کردند. ایشان فرمودند:

«اگر شما با امام زمان(ع) ارتباط دارید، پاسخ این سؤالات را از آن حضرت بگیرید و برای من بیاورید. اولاً، از حضرت سؤال کنید عکسی که من در منزل دارم و مورد علاقه من نیز هست، منسوب به چه کسی می‌باشد؟»

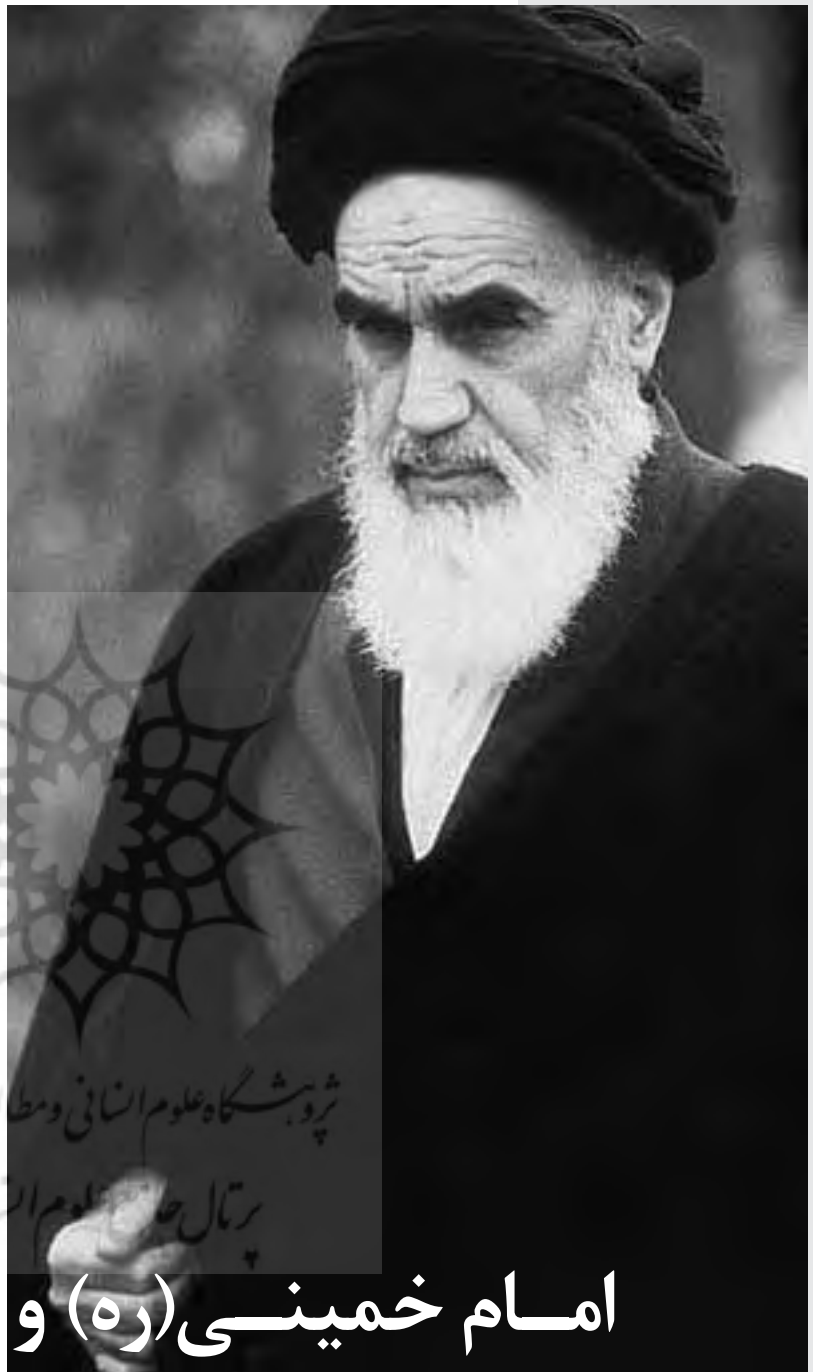
ثانیاً، از حضرت بپرسید که رابطهٔ حادث با قدیم - که یک مسئلهٔ فلسفی است - چیست؟
ثالثاً، اینکه من چیزی را گم کرده‌ام و مدت‌هاست دنبال آن می‌گردم. از آن حضرت بپرسید که گمشدهٔ من کجاست؟!»

آن چند نفر که ادعای ارتباط با امام زمان(ع) را داشتند، پس از مدتی از پاسخ‌گویی به سؤالات حضرت امام(ره) اظهار ناتوانی کردند و بدین ترتیب معلوم شد آنان افراد صالحی نبوده و ادعاهای آنان دروغ بوده است.

در توضیح باید گفت: عکس مورد علاقهٔ حضرت امام(ره) که در اتاق ایشان قرار داشت، منسوب و منتسب به پیامبر اکرم(ص) بود. این عکس بعد از رحلت حضرت امام(ره) بسیار شهرت پیدا کرد و فراوان تکثیر شد.

گمشدهٔ ایشان نیز همان کتاب اشعار و غزل‌های حضرت امام بود.^۱ در مقدمهٔ دیوان حضرت امام دربارهٔ این موضوع چنین آمده است:

«حضرت امام(ره) در دوران جوانی غزلیات فراوانی سروده و آنها را در دفتری گردآوری کرده بودند متأسفانه این دفتر در جریان سفرهای پیاپی ایشان، مفقود گردید. دفتر دیگری از ایشان نیز که برخی از اشعار آن به خط ایشان و برخی دیگر به قلم همسر گرامی‌شان مکتوب شده، در جریان تغییر مکرر محل سکونتشان گم شد؛ همچنین برخی از دست‌نوشته‌های ایشان در پی هجوم مأموران ساواک به منزل و کتابخانهٔ شخصی‌شان از دست رفت. خلاصهٔ مطلب آنکه دیوان فعلی امام عمدتاً پس از



امام خمینی(ره) و مدعیان دروغین ارتباط با امام زمان(ع)

عبدالحسن ترکی

با فراست و کیاستی که از نور خدا بهره می‌گرفت، در همان نگاه نخستین، ادعای دروغین آنان را دریافت؛ لذا فرصت عرض اندام و خودستایی و خودنمایی را از ایشان گرفت.

مؤمن ار «ینظر بنور الله» نبود

غیب، مؤمن را، برهنه چون نمود^۷

مؤمننا «ینظر بنور الله» شدی

از خطا و سهو، ایمن آمدی^۸

پیشوای پرهیزکاران و امیر مؤمنان علی(ع) فرمود:
«از گمان مؤمنان بپرهیزید، زیرا خداوند متعال حق را بر زبان آنان جاری می‌سازد»^۹.

نکته آخر اینکه مؤمن نباید ساده لوح و زودباور باشد و هر حرفی را بدون تحقیق از هر کسی بپذیرد. به ویژه خواهران ایمانی باید بیشتر مراقب بوده، اجازه سوءاستفاده از اعتقادات پاک و احساسات بی‌شائبه خود را به شیادان شیطان صفت ندهند و در این راستا از مشورت با کارشناسان مطمئن، به ویژه مراجع معظم تقلید و دیگر فرزندان فرهیخته غفلت نورزند.

چون بسی ابلیس آدم روی هست

پس به هر دستی نشاید داد دست^{۱۰}

پی‌نوشت‌ها:

۱. پایه پای آفتاب، ج

۱، صص ۲۵۵-۲۵۴

(مصاحبه با علی‌اکبر

آشتیانی).

۲. دیوان امام(ره)،

صص ۳۱-۳۲.

۳. مثنوی معنوی،

دفتر ۵، ابیات

۲۲۳۸-۲۲۴۰.

۴. مقام معظم

رهبری (حفظه الله)،

موعود شماره ۹۱،

ص ۵.

۵. سوره بقره (۲)،

آیه ۱۱۱.

۶. جامع الصغیر، ج

۱، ص ۸.

۷. مثنوی معنوی،

دفتر اول، بیت

۱۳۳۱.

۸. همان‌جا، دفتر

چهارم، بیت ۱۸۸۵.

۹. شرح نهج البلاغه،

ابن ابی‌الحدید، ج ۴،

ص ۳۸۷ به نقل از

احادیث و قصص

مثنوی، ص ۶۲.

۱۰. مثنوی معنوی،

دفتر اول.

پیروزی انقلاب به اضافه اشعار پراکنده‌ای که در دست بعضی از ارادتمندان آن حضرت بود، سامان داده شده است.

چند نکته در حاشیه این برخورد

اینکه در عصر غیبت - به عنایت امام عصر(ع) - برخی از خوبان و شایستگان توفیق تشرّف به آستان جانان را می‌یابند، مورد تردید نیست. اما اصولاً کسانی که توفیق تشرّف به بارگاه بلند آن امام مهربان(ع) را پیدا می‌کنند، هیچ‌گاه ادعای ارتباط و ملاقات با آن حضرت(ع) را ندارند. حتی بسیاری از صالحانی که این توفیق را داشته‌اند، اجازه نقل این نعمت و رزق معنوی را به خود نمی‌دهند و چنانچه هم بنا به مصالحی اشارتی به این موضوع داشته‌اند، آن را با افرادی خاص و با ظرفیت در میان نهاده‌اند و در بسیاری اوقات تأکید کرده‌اند که تا زمانی که زنده هستند، ارتباط ایشان با حضرت صاحب جایی بازگو نشود.

بر بشر قفل است و در دل رازها

شب خموش و دل پر از آواها

عارفان که جام حق نوشیده‌اند

رازها دانسته و پوشیده‌اند

هر که را اسرار کار آموختند

مهر کردند و دهانش دوختند^۳

سر بازگو کردن توفیقات و تشرّفات از زبان خوبان، تنها ایجاد انگیزه و شورآفرینی در دیگر خواهران و برادران ایمانی است تا بدانند و آگاه باشند که امام مهربان(ع) از حال ایشان غافل نیست و هرگاه آنان صادقانه و خالصانه به درگاه دلبر روی آورند، عنایت امام از آنان دستگیری خواهد کرد.

ملاقات با امام عصر(ع) و تشرّف به محضر محبوب، یک‌سویه است نه دو سویه. یعنی این‌گونه نیست که این بندگان برگزیده و خوب خدا هرگاه اراده کردند به آستان جانان شرفیاب شوند. بلکه هرگاه امام معصوم(ع) مصلحت بدانند این نعمت به آنان ارزانی خواهد شد.

این سعادت‌مندان و بختیاران شهرت‌گریز اهل باز کردن دکان بسیار و دستگاه و ادعای ارتباط نیستند. به تعبیر رهبر معظم انقلاب: «ممکن است یک انسان سعادت‌مندی چشمش، دلش این ظرفیت را پیدا کند که به نور آن جمال مبارک روشن شود؛ اما چنین کسانی اهل ادعا نیستند، اهل دکان‌داری نیستند»^۴.

امام خمینی(ره) بدون اینکه خود را ببازد، آن مدعیان را پذیرفت و به مصداق این آیه شریفه که: «قل هاتوا برهانکم إن کنتم صادقین»^۵ بگو بیاورید دلیل خویش را، اگر راستگو هستید؛ ایشان با طرح سه سؤال، مشت را به سادگی باز کرد.

در روایات آمده است: «از فراست و تیزبینی شخص مؤمن بپرهیزید. زیرا او با نور خدا می‌نگرد»^۶. پیر جماران

